



## آزادسازی تهران از طرح‌های غیر واقع‌گرا

مصاحبه با سهراب مشهودی

□ زرین: با تشکر از جنابعالی بخاطر وقتی که در اختیار شهرنگار گذاشتید تا در مورد طرح جامع تهران و موضوعات مرتبط دیگر با هم گفتگو کنیم. من اولین سؤال را با این موضوع کلی شروع می‌کنم که چگونه می‌توان تمایلات و گرایش‌ها و شرایط واقعی امروز شهر تهران را در قالب طرح‌های شهرسازی، با راهبردها و چشم اندازهای سیاسی و اقتصادی کلان کشور (تا آن اندازه که وجود دارد) همسو و کارا نمود، تا به طرح و برنامه‌ای دست یابیم که برای رفع معضلات شهر تهران و ارتقاء آن عملی و قابل اجرا باشد؟

■ مشهودی: ۳۰٪ تولید ناخالص داخلی در تهران اتفاق می‌افتد، ۴۰٪ صنایع در آن است، عالی‌ترین مراکز اداری مالی کشور را دارا است. مراکز تحقیقات عالی کشور در آن است. خدمات بالای پزشکی در تهران است و بیش از همه تهران این خاصیت را دارد که بتوان در آن شغل پیدا کرد. برای گروه‌های کم درآمد و متوسط و برای گروه‌هایی که دارایی و نقدینگی سرگردان دارند تهران بهترین جا است که بتوانند نقدینگی شان را بکار ببندازند و استفاده کنند تا موقعی که همین اوضاع در تهران در جریان است ما اگر بخواهیم واقع‌گرا برنامه ریزی کنیم باید هر مانعی که جلوی توسعه را می‌گیرد، برداریم و اجازه دهیم توسعه پیدا کند. جمعیتش افزایش یابد، تراکم اضافه شود و این روند را پیش ببریم. این آن چیزی است که در واقع اتفاق می‌افتد. طرح گذشته تهران در سال ۱۳۴۹ معتقد بود که آن کاسه طبیعی تهران ۵/۵ میلیون نفر ظرفیت دارد. به علت آلودگی هوا و مشکلات دیگری که دارد به علت آب‌های زیرزمینی و ... که آمار آن بالاست. طرح سال ۱۳۷۰ با وجود اینکه هنوز به ۵/۵ میلیون نفر جمعیت معتقد بود به علت اینکه جمعیت به حدود هفت میلیون نفر رسیده بود، هفت میلیون و ششصد هزار را گذاشته و طرح مجموعه شهری



اشاره:

تهیه طرح‌های توسعه و عمران شهری در تهران سابقه ۴۰ ساله دارد. آقای مهندس سهراب مشهودی از جمله کسانی است که در بیش از ۵۰ شهر ایران کار شهرسازی (و یا به قول خودش شهرسامانی) کرده است. او در تهیه مقدمات طرح تفصیلی و جامع جدید تهران نیز از ابتدا تأثیرگذار و مطرح بوده و در تهیه طرح نیز دستی داشته است. او نظرات جنجالی و مطرحی در جامعه شهرسازان و دولتمردان داشته از جمله طرح‌های سیال شهری و طرح ضوابط و مکانیابی بلند مرتبه سازی و اینکه اعتقاد دارد برای ساماندهی تهران، پایتخت نشینان باید به جای دیگر کوچ کنند. این گفتگو در تیر ماه ۱۳۸۵ در محل شرکت مهندسین مشاور طرح و کاوش صورت گرفت. پرسشگر این گفتگو، آقای مهندس شهریار زرین بود.

!

تهران هم نظرش روی هشت میلیون و سیصد هزار نفر بود و طرح جدید هم از هشت میلیون و ششصد هزار نفر می‌گوید. معنی همه اینها این است که معتقدند که محدودیت جمعیت لازم است و معتقدند که جمعیت تهران پتانسیل ندارد. هر کدام با زمان خودشان تبدیل به یک عدد شده‌اند و تمام آن طرحها حرف است و همه آن روی کاغذ است. طرحهای شهری قادر نیستند که روی جمعیت شهر تهران تصمیم بگیرند. مباحث جمعیت شهرها و مهاجرت را در طرحهای بالادست و طرحهای توسعه و عمران کشور و طرحهای آمایش می‌توانند تصمیم‌گیری و اجرا کنند و بهبود طرحهای شهری عدد می‌گذارند. ما عدد را می‌گذاریم و روی عددش برنامه ریزی می‌کنیم و بعد هم خیال می‌کنیم که اتفاق می‌افتد.

در اوایل انقلاب یکسری واقع‌گرایی شروع شد و طرح تمرکز زدایی مدنظر قرار گرفت. وزارت کشور کار مفصلی داشت و اقداماتی را انجام داد. مثلاً "طرح مجموعه شهری دارای یک سلسله از اتفاقات است که باید شکل بگیرد که ما بتوانیم به این اعداد برسیم و طرحهای دیگر هم همینطور. تمام این طرحها اگر پیشنهادی داشتند، پیشنهادشان وابسته به عواملی بود که مردم باید آن را بعهده می‌گرفتند. سال ۴۹ این تجربه نشان داد که عملی نمی‌شود. **من معتقدم بر اساس تجارب جهان و بر اساس تجارب گذشته ایران تنها رویکردی که می‌شود کلانشهر پایتخت را از حرکت به جلو بازداشت و ثابتش کرد تغییر مکان سیاسی پایتخت است. یعنی پایتخت به جای تهران به شهر دیگری انتقال یابد.** در کشورهای همسایه این تجربه شده؛ یعنی تغییر پایتخت در پاکستان از کراچی به اسلام‌آباد، در هند از بمبئی به دهلی نو و در ترکیه از استانبول به آنکارا و ... می‌بینیم که درست در کشورهای مجاور این کار را انجام داده‌اند. در بسیاری دیگر از کشورها این اتفاق افتاد. با این ترتیب، فشار ناشی از توسعه شتابان و سریع کشور از دوش آن شهر اصلی برداشته می‌شود و فرصت ترمیم پیدا می‌کند، یعنی جز این دیگر راهی نیست برخلاف آن نظریه که

در نشریه بن نوشته شده بود به نظر من این "پاک کردن صورت مسئله" نیست، من نمی‌خواهم صورت مسئله را پاک کنم من می‌خواهم که امکان بدهم تهران نجات پیدا کند معنی آن این نیست که اگر پایتخت از تهران رفت، تهران را رها کنیم و به کارهایش رسیدگی نکنیم.

چند سال پیش شخصی به نام برنارد هورکاد فرانسوی سمیناری در تهران داشت و من شانس داشتم که بشنوم. البته جلسه محدودی بود. ایشان درباره تغییر پایتختهای ایران در طول تاریخ تحقیق کرده بود و گفته بود مشهد اکنون شهر دوم ایران است و درهای آسیای میانه که فرهنگ و زبان فارسی در آن قدمت تاریخی دارد به روی این شهر باز است. موانع متعدد جغرافیایی، قومی و سیاسی ایجاد یک محور شمالی - جنوبی در ایران را مسدود کرده است و جابجایی جمعیت پرشمار غرب کشور به سوی شرق است. منتهی در نظریه‌ای که آقای دوکسیادیس در مورد اسلام آباد داشت معتقد بود که بهترین روند تغییر پایتخت این است که فاصله اش از پایتخت قبلی زیاد نباشد و به شکل ظروف مرتبطه این تحول انجام شود. برای همین هم اسلام آباد زیاد از کراچی دور نیست. خوب اگر بخواهیم با این نظر جلو رویم آن وقت آن نظریه‌ای که از تمرکز زدایی اول انقلاب به آن رسیدیم قابل لمس می‌شود که سمنان بهترین جای جدید برای پایتخت ایران است.

ما بنابراین دو راه داریم:

یک - یا باید بپذیریم که تهران توسعه پیدا کند و هیچ محدودیتی اقلان در طرحهای شهری برایش نگذاریم و طرحهای کشوری و آمایشی سرزمین کوشش کنند که جلوی مهاجرت را بگیرند، بدون اینکه ما [شهرسازان] دخیل باشیم.

دو - اگر واقعا" به این نتیجه رسیدیم که کاسه طبیعی تهران دیگر پتانسیل پذیرش جمعیت ندارد، [که ندارد] و با توجه به خطری که بعد از زلزله، یکپارچگی کشور را تهدید می‌کند و از بین می‌برد و من از نظر ضریب امنیتی و ابعاد دیگر، نظر تغییر پایتخت را بیشتر می‌پسندم، که تهران بتواند جمعیتش را ثابت کند، بعد از ۲۰ الی ۳۰ سال به یک کلانشهر معقول دنیا تبدیل شود.

□ در این صحبتها شما به توسعه‌ای که تهران نمی‌تواند بیش از آن دست پیدا کند اشاره کردید و به مسائل فیزیکی مثل کالبد شهر، آلودگی هوا، مسئله ترافیک، زلزله و غیره اشاره شد ولی برای جبران اینها راههای فیزیکی هم وجود دارد مثلاً "می‌شود با بهینه کردن سوخت اتوموبیلها و ایجاد خدمات عمومی حمل و نقل، معضل آلودگی و ترافیک را تعدیل کرد؟"

■ سرعت تعدیل حتما" کمتر از سرعت افزایش جمعیت است.

□ به موازات این رشد جمعیتی که مسئله آفرین است توسعه



سیاسی کشور می‌دانید نه خیلی نجات خود تهران چون به هرحال مسائل تهران کماکان وجود دارد.

■ با رفتن مشاغل سیاسی به ازای هر نفر ۲/۵ نفر هم همراهشان شغل‌های خدماتی می‌رود. و تهران فرصت پیدا می‌کند (چون ثابت می‌شود) ترمیم شود و تنها راه حل ترمیم این است. درمان



اقتصادی و موتور اقتصادی کشور هم شاید به این تمرکز احتیاج داشته باشد. ما می‌بینیم که مراکز اقتصادی بزرگ دنیا بویژه در اروپا، پایتخت‌هایشان است که تنها شهر بزرگ کشورشان هم هست و فاصله شان با شهر دومشان خیلی بیشتر از فاصله شهرهای تهران با شهرهای دومش است یعنی واضح‌تر بگویم آیا توسعه اقتصادی کشور منوط به داشتن یک قطب جمعیت بزرگ که پایتخت آن هم است، نیست و ما بیاییم معضلات تهران را از بعد دیگر (بدون انتقال پایتخت) حل کنیم ولی برای توسعه اقتصادی اجازه دهیم این تمرکز و توسعه همچنان ادامه پیدا کند؟

■ نه قطعاً این نیست مثلاً در ترکیه، استانبول همچنان قلب اقتصادی کشور است و اگر پایتخت را به آنکارا منتقل نکرده بودند الان استانبول ایستاده بود و جای حرکت نداشت. هنوز بمبئی در هند، کراچی در پاکستان و در برزیل پایتخت قدیمش، فعال هستند. در کشورهایی که بیشتر توسعه یافته هستند مثلاً در آلمان، دوسلدرف مهمتر از پایتخت است. فرانکفورت، مرکز بانکی و مهمتر از پایتختش است. آنها توانستند تمرکز را بخوبی توزیع کنند، با پخش این مراکز اتفاقاً تهران می‌تواند نقش خودش را ایفاء کند که به نظر من ۳۰٪ تولید ناخالص داخلی، مرکز علمی کشور، مرکز پزشکی کشور و ۴۰٪ صنایع و غیره و نلک است و باید از آن چیزهایی که کمتر به اقتصاد مربوط است و مسائل سیاسی و اداری دارد خودش را خلاص کند و بعداً بیشتر می‌تواند عمل کند.

□ و معتقدید که این تحقق باید از طریق طرح‌های بالادست و طرح‌های ملی باشد نه طرح‌های جامع خود تهران؟

■ طرح‌های ملی و بالادست می‌توانند جلوی مهاجرت را بگیرند به شرطی که بتوانند در بلند مدت مراکز دیگری را در کشور ایجاد کنند. بنابراین چون ما [شهرسازها] آنجا جایگاه نداریم اظهارنظری نمی‌توانیم بکنیم. در شهرسازی حرف بی‌اساس نباید بزنیم ما با دستورالعمل شهرسازی نمی‌توانیم جلوی رشد جمعیت را بگیریم.

مريضی که مرتب زخم‌های جدید می‌خورد خیلی سخت است. اگر بتوانیم غده سرطانی را در یکجای بدن ساکن نگاه داریم، دیگر

□ در حقیقت به تعبیری جابجایی پایتخت را یک جور نجات



اگر واقعاً به این نتیجه رسیدیم که کاسه طبیعی تهران دیگر پتانسیل پذیرش جمعیت ندارد، که ندارد و با توجه به خطری که بعد از زلزله یکپارچگی کشور را تهدید می‌کند و از بین می‌برد و من از نظر ضریب امنیتی و ابعاد دیگر، نظر تغییر پایتخت را بیشتر می‌پسندم، که تهران بتواند جمعیتش را ثابت کند، بعد از ۲۰ الی ۳۰ سال به یک کلانشهر معقول دنیا تبدیل شود.

توسعه پیدا نمی‌کند. و مسائلی را با همین طرح‌های توسعه و عمران حل کنیم و شهرسازها حالا بیایند حرف حساب بزنند بگویند جمعیتش بطور معقول این گونه خواهد شد یا ثابت می‌شود یا کم و ...

□ یک سؤالی الان به ذهن من رسید، فرض کنید که بر اساس

■ پایه اش با جمعیت شروع می‌شود. یعنی اگر متروی تهران را که مربوط به سال ۵۴ بود و قرار بود درست شود (و با اینکه طرحش داده شد و مشاورانش انتخاب شد، رفت در دربار رد شد و من همانجا متوجه شدم که حکومت وابسته یعنی چه. به شکل اقتصادی فهمیدم، این دفعه سیاسی نفهمیدم.) درست می‌شد، نه اینکه خیلی چیزها حل می‌شد، ولی به این نقطه بحرانی شدید نمی‌رسید. مشهد اگر الان شروع کند و بخواهد عملاً پایتخت بشود وقتی تازه که می‌خواهد جمعیتش به تهران برسد، مسائلیش را حل کرده است. پس بنابراین بحران یک شهر فقط جمعیت نیست، متروهایش و فضای سبزش و .... همه چیز تأثیرگذار است.

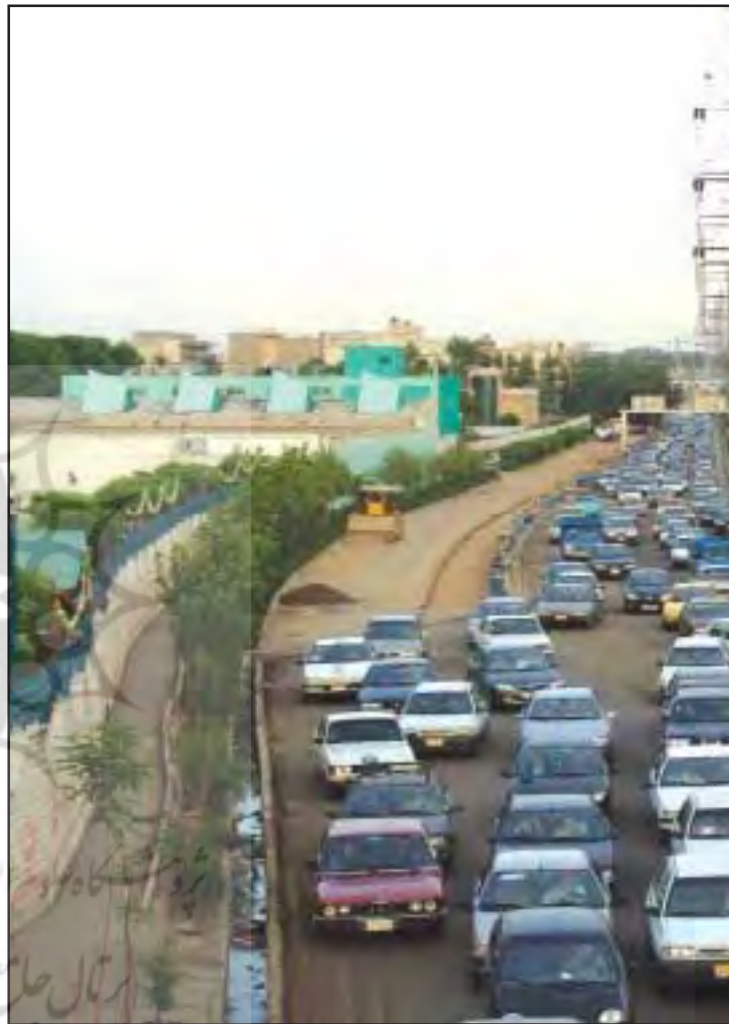
□ بیائیم کمی به شهرسازان نزدیکتر شویم. بیائیم بپردازیم به کارهای شهرسازی که می‌توانیم انجام دهیم و با نگاه ویژه به طرح جامعی که تازگی تهیه شده و مراحل تصویبش را می‌گذارند. این فرایندی را که در بخش اول صحبتتان تا حدی به آن اشاره کردید. تا چه میزان در طرح جامع در این دوره ۴ الی ۵ ساله اخیر تهران که شهرسازها رویش کار می‌کرده‌اند مشاهده کرده‌اید؟

■ من معتقدم که اگر تهران یعنی طرح‌های تهران بخواهد موفق باشد، باید فرض کند که قادر نشده است که جمعیت را کنترل کند و قادر نیست اقتصاد را کنترل کند. باید فرض کند تهران پایتخت می‌ماند، جمعیتش اضافه می‌شود، به مرکز اقتصادی اش اضافه می‌شود به مرکز صنعتی اش اضافه می‌شود و برای این تغییرات طراحی کند. وقتی شما اینجوری طراحی کنید و این اتفاقات نیفتد مسئله‌ای پیش نمی‌آید. اگر برعکس از اول فرض کنید که قرار است محدود بشود و برای یک شهر محدود طراحی کنید طراحی انجام نداده‌اید. بنابراین من معتقدم همه توصیه‌هایی که شهرسازان می‌کنند از این قبیل که: محدود شود، چنین شود و چنان... عملی نیست طرحی که برای تهران تهیه شود باید با فرض اینکه جمعیتش ۱۲ میلیون نفر می‌شود باشد، تنها راه که طرح معقول تهیه شود این است.

□ در تمام طرح‌های ما جمعیت از طرح جلو افتاده است.

■ طرحی می‌زنند، آن می‌شود محدودیت و بعد طرحی تهیه می‌کنند با جمعیت غیرواقعی، و این موضوع طرح را به غیرواقعی تبدیل می‌کند.

□ صحبتی با آقای فرمانفرمائیان داشتم در مورد طرح اول که بحث جمعیت پیش آمد. ایشان گفتند که موضوع جمعیت را ما کار



نظریه آقای هورکاد که شما هم به نوعی از آن حمایت کردید پایتخت مشهد باشد. مشهد دچار بلایای تهران نخواهد شد؟

■ تا ۵/۵ میلیون نفر نه. وقتی که ظرف پر شد باز پایتخت را عوض می‌کنیم یعنی پایتخت را مرتب عوض می‌کنیم.

□ یعنی شاخص بحرانی بودن یک محیط را شما میزان جمعیتش می‌دانید؟ یعنی جمعیت است که بوجود آورنده تمام این معضلات است؟



نکرده بودیم و آن قسمت را دانشگاه تهران کار کرده بود و در آن زمان آقای نراقی و اینها گفته بودند حدود ۷/۵ میلیون نفر جمعیت خواهد بود این راه ما در طرحمان گذاشته بودیم و وقتی که به زعمای قوم ارائه دادیم گفتند: "شما مزخرف می‌گویید. کمش کنید!" حالت آمرانه داشت.

■ ناچار شده‌اند این کار را بکنند. ناچارند ولی به نظر من باید بگویند نه. باید بگویند تهران طبق روندش ۱۲ میلیون نفر دارد. اگر نشد آن بخشهایش را حذف کنند بروند روی ۱۲ میلیون نفر فکر کنند. برای ۱۲ میلیون نفر هوا و آب و ... فکر کنند. آنگاه مشکلی پیش نمی‌آید.

■ بله، زعمای قوم عوض اینکه وظایفشان را انجام بدهند مسائل را در شکل صدور مصوبات می‌بینند، اشکال اینجا این است. این قضیه مرتب تکرار می‌شود و به جای اینکه کارشان را درست انجام دهند که جمعیت کم شود، مصوبه می‌نویسند. ۱۱ تا وزیر می‌نویسند: تهران ۷/۶ میلیون نفر باشد و برنمی‌گردند به وزارت خانه شان که این مصوبه را پیگیری کنند، خیالشان هم راحت می‌شود که «این کار را به خوبی انجام داده ایم!!» و می‌روند می‌خوابند!

□ بخشهای دیگر طرح چطور؟ به غیر از پیش بینی جمعیتی آن.

■ همه اش همینجوری است. اگر این جمعیت را در نظر بگیریم کار خراب است. اقتصاد کشور ما در مواقع بحرانی به ساختمان مربوط است و ساختمان به افزایش تراکم مربوط است. با این نظریه جلوی تراکم را می‌گیریم روی اقتصاد دست می‌گذاریم و غیره ... اصلاً "این کار وظیفه ما نیست. اگر تقاضای تراکم هست باید به متقاضی تراکم داد. فکر اساسی این است: تقاضا باید ایجاد نشود.

□ آیا طرح اخیر تهران این کار را انجام داد؟ یا خیر؟

■ خیر، انجام نداده است.

□ من سؤالم را جور دیگر مطرح می‌کنم. با همین استعدادی که طرحهای جامع در ایران دارد و با همین استعدادی که ما در این ۴ الی ۵ ساله داشتیم و نشان دادیم، جامعه تخصصی مان چکار می‌توانست بکند؟ فارغ از اینکه برویم وارد طرحهای بالادست

□ البته جمعیت را ۸/۶ میلیون نفر در نظر گرفته و نسبت به ارزیابی طرحهای جامع قبل یک مقدار بیشتر شده است.

و آب برسانم... من می‌گویم که پس کدام شهر را باید توسعه دهیم؟ اینها نگاهها و نظرات غلط است. در همان جلسات وزارت کشاورزی می‌گوید که جایی که سبزه است شهر را توسعه ندهید! جایی که سبزه است یعنی آب دارد. پس اتفاقاً جایی که آب نیست ما باید شهر بسازیم، بعد سازمان آب می‌گوید: "آب نداریم!" هر کسی از زیر مسئولیتش فرار می‌کند و می‌اندازد گردن آن یکی و متأسفانه من نمی‌دانم که چرا شهرسازهای مملکت در طول تاریخ همه شان پذیرفته‌اند. یک کدامشان نگفته... به من چه مربوط... مگر من چکاره‌ام که کسی توی این شهر بیاید یا نیاید، من می‌آیم برایش طراحی می‌کنم، شما نگذارید کسی بیاید. خالی می‌ماند؟ اشکالی پیش نمی‌آید که یک زمین خالی می‌ماند. [من شهرساز] در آن نقشه، جای توسعه پیش بینی کردم و گذاشتم ولی در آن اتفاق نمی‌افتد مگر بد است؟ اگر برعکس جای توسعه نگذارم در جایی که باید توسعه پیدا کند بد است. وگرنه این سوی قضیه بد نیست بلکه اصولی است.



بشویم. یعنی شهرسازها می‌توانستند چکار کنند؟

■ من حرفم همین بود باید واقعیتها را مدنظر قرار داد. من معتقدم با این روند جمعیت، شهر تهران این بار سنگین را دیگر نمی‌کشد. من معتقدم این قدر پول برای ساختمان سازی باید داد. اینها واقعیتها هستند.

□ با این شاید مشیت مقدر، چه آینده‌ای را برای شهرهای ما پیش بینی می‌کنید؟

■ همان اتفاقی که در تهران افتاد. از وقتی که ۵/۵ میلیون جمعیتش شد، تا امروز فاقد طرح است و بدون طرح زندگی می‌کند و با بخشنامه و روزمرگی می‌گذراند.

□ آیا به یک مرز فروپاشی نمی‌رسد یا همیشه در حال رشد است؟

■ نه، چرا اتفاقاً خود خودترمیمی اثر می‌گذارد، اگر تهران جمعیتش در ۱۰ سال گذشته رشدش کم شده بعلمت گران شدن تهران است به علت مسائلش. یک نمونه جالب اتفاق افتاده: الان بازنشستگان تهران به علت هوای بد که برای سلامتی شان بد است به علت گرانی تهران و بعلمت اینکه با حقوقهای بازنشستگی نمی‌توان زندگی کرد، خانه هایشان را در تهران اجاره می‌دهند و می‌روند



□ آیا در شهرهای بزرگ دیگر دنیا این فرایندی که مورد نظر شماست و آن را درست می‌دانید روی طرحهای شهرشان پیاده کرده‌اند؟ البته مراد آنهایی است که موفق بوده‌اند.

■ آنهایی که موفق بوده‌اند در کشورهایی که پیشرفته هستند بر اساس طرح و برنامه آمایش بوده است.

□ بیائیم همان جهان سوم و جغرافیای خودمان را در نظر بگیریم. آیا طرحهای موفق دیگری هم در مورد این شهرها پیاده شده؟ حتماً با واقعیت کنار آمده‌اند؟

■ حتماً واقع گرا بوده، به شهرساز تحمیل نکرده‌اند که خودش را گول بزند. یک صحنه گول زدن را به شما بگویم که ببینید چقدر ساده اتفاق می‌افتد. قانون عرضه و تقاضا قانون ثابتی است. همه دیگر این را می‌شناسند، بنابراین اگر در یک شهر، شما بیائید تراکم با تقاضای ثابتی که دست ما نیست (تراکم ساختمانی) را ۴ برابر کنید باید ساختمان ارزان شود چون عرضه اضافه شده. ما ظاهراً طی یک معادلات سیاسی، قانون عرضه و تقاضا یادمان رفته. ما خودمان هم می‌گوییم که عرضه تراکم، ساختمان را گران می‌کند، نه، این نوع نگاه کردنها اشتباه است که می‌افتیم در هچل، در هچل دیگران. دیگرانی که وظیفه شان را انجام نمی‌دهند. من در تقریباً پنجاه شهر ایران طراحی کرده‌ام، شهرهای کوچک تا بزرگ. در هیچ شهری نیست که موقع تصویب، سازمان آب آنجا نگوید: "... که اینجا آب نیست... من نمی‌توانم توسعه بدهم..."



تدریج دارد ارزان می‌شود، نوسازی اتفاق نمی‌افتد و این منطقی نیست. برای همین در تهران زمین نداریم اما بافت فرسوده هم داریم. حالا در شهرها این مناطق، محل سکونت گروه‌های کم درآمد و کم درآمدتر می‌شود که اینها کارگران صنایع شهری و خدمات شهری و بدون اینکه حاشیه نشین شوند در شهر مستقر می‌شوند. در این هم می‌خواهیم دخالت کنیم، این را هم می‌خواهیم بازسازی کنیم و اینها را هم بیرون کنیم. فکر هم نمی‌کنیم که اگر بازسازی کنیم این آدمها باید کجا بروند. اثبات شده که به خودشان هم بدهیم نمی‌توانند نگاه دارند. این کوی ۱۳ آبان را برای همین کار ساختند. اما چون قیمت ساختمانش منطقاً "گرانتر بود و قیمتش ۴ برابر پول غذای ساکنان آنجا بود، اجاره می‌دادند می‌رفتند جای دیگر می‌نشستند. الان این حمله به بافتهای فرسوده یکی از بدترین کارهایی است که دارد اتفاق می‌افتد. اگر موفق بشویم بایستی ما یک گروه ساکن شهری زیرخط فقر سکونتی را که در شهر ساکن هستند (به دلایلی که گفته شد) برانیم به حاشیه.

□ به تدریج از شهرسازی مجدداً "دور شویم و به اقتصاد نزدیک شویم و شاید گره همانجا باشد. الان تنها یا بیشترین تولید صنعتی با صرفه در تهران، ساختمان سازی است. اگر ما بتوانیم از لحاظ تولید صنعتی، تهران را به یک شهر متعادل تبدیل کنیم که صنایع یا حرفه‌های دیگر هم به اندازه ساختمان سازی در آن منفعت داشته باشد، تا حدی توانسته ایم که آن شرایط آرام را

شمال؛ الان لاهیجان مرکز بازنشسته‌های تهران شده است. این خود ترمیمی است. هیچ کس این را نگاه نکرده بود و خودش اتفاق افتاده است. و ما باید این را نگاه می‌کردیم.

□ خیلی‌ها شهر را به یک موجود زنده تشبیه می‌کنند و واقعاً هم همینطور است. یک موجود زنده یک مکانیزم دفاعی دارد که بسیار هوشمندانه عمل می‌کند، به شرطی که در یک شرایط حاد قرار نگیرد که کشته شود و از بین برود. و این خودترمیمی را من در آن مکانیزم دفاعی می‌بینیم ولی برای اینکه این خود ترمیمی طولانی مدت نشود، از یک نسل به سه نسل دیگر نرود باید برنامه داشته باشد و این برنامه‌ها از موضوع شهرسازی دور می‌شود، بیشتر مسائل اقتصادی را در نظر می‌گیرد.

■ بله. یعنی اگر ما مراکز توسعه اقتصادی مان موزون باشد اصلاً "فشار به پایتخت نمی‌آید خوب آن باید یک جای دیگر اتفاق بیافتد، در شهرها هر جا که تغییرات قیمت زمین به ساختمان بچربد، نوسازی مرتباً اتفاق می‌افتد برای همین است که اوایل انقلاب تمام این ساختمانهای یک طبقه و دو طبقه که با زمینهای ارزان ساخته شدند در ظرف کمتر از ۱۰ سال تخریب و دوباره نوسازی شدند. و بر عکس هر جا که برعکس تغییرات قیمت ساختمان به قیمت زمین بچربد مثل مراکز شهر که خانه‌های قدیمی عالی در آن است و زمین آن به علت آنکه خدمات ندارد و به

بوجود بیاوریم که تهران خودش بتواند مسائل خودش را حل کند؟  
آیا این درست است؟

■ ۱۳۶ شغل وابسته به صنعت ساختمان سازی وجود دارد.

□ در ایران یا در دنیا؟

■ در ایران در جای پیشرفته‌تر ممکن است ۸۰ تا شغل بیشتر نباشد چون آنها شاید تکنولوژی پیشرفته تری را بکار ببرند. در کشورهای عقب افتاده ممکن است ۴۰ تا باشد. در کشور عقب افتاده‌تر ممکن است ۵ تا باشد ولی در ایران حدود ۱۳۶ شغل است. بنابراین ما اقتصادمان به شدت به ساخت و ساز مربوط است. تا برای ساخت و ساز جای دیگری فراهم نکنیم که صرفه ساخت و ساز بیشتر از قیمت تورم ساختمان باشد، در هر شهر کوچک که نتوانیم این کار را بکنیم هر چقدر هم پول بریزیم ساخت و ساز اتفاق نمی‌افتد و ما ضرر می‌کنیم. با ساختن پایتخت این مشکل حل می‌شود، شما یک ساخت و ساز وسیعی را انجام می‌دهید بعد اگر بخش اقتصادی کشور عاقل باشد در آن مقطع، فرصت می‌کند که این صنایع را دو پایه اش کند، غیر از ساختمان سازی چیز دیگری هم تولید کند. بعضی‌ها می‌گویند که نمی‌شود پایتخت را دوباره ساخت من می‌گویم اشتباه می‌کنید در ایران هر ۱۰ سال یکبار شهرها دو برابر می‌شوند پس ما هر ۱۰ سال یکبار کل کشور را می‌سازیم چه برسد به پایتخت.

□ من سوالی درباره پایتخت فرانسه از گروه فرانسوی APUR کردم. اینها گفتند فرانسه در طول تاریخ تنها یک پایتخت داشته به غیر از در دوران جنگ دوم جهانی که شهر دیگری برای مدت کوتاهی پایتخت شد. به همین دلیل است که دو شهر پاریس و لندن شاید با بقیه شهرها که شما مثال زدید مثل دوسلدرف و فرانکفورت که از پایتختهایشان قوی‌تر هستند استثناء باشند. که هم بزرگترین هستند هم شهر دوم آنها چندین پله با این دو پایتخت فاصله دارد. در ضمن از نظر اقتصادی موفق هم بوده‌اند. آیا اینها استثناء هستند؟

■ من فکر می‌کنم که اگر لندن و پاریس هم رشد جمعیتشان همچنان ادامه داشت این استثناء شکسته شده بود. اینها ۵۰ تا ۱۰۰ سال است دیگر رشد جمعیت ندارند. نوع برخورد با قضیه متفاوت است.

□ از پایتختهای بزرگ اروپا برگردیم به پایتخت خودمان و طرح جامعش. با توجه به اینکه شما به نوعی در جریان طرح جامع تهران بودید، دستاوردهای پنج ساله اخیر را که برای طرحهای جامع و تفصیلی انجام گرفته است چه می‌دانید؟

■ خیلی دستاورد داشت: **تهران بالاخره تسلیم مهندس مشاور شد. هیچ وقت شهرداری تهران تسلیم مهندس مشاور نمی‌شد**





حتی طرح تفصیلی تهران را خودش طراحی کرده بود، به مهندس مشاور راه داد. ۲۲ شرکت مهندس مشاور (یعنی نیمی از مهندسیین مشاور شهرسازی کشور) وارد پروژه طرح جامع تهران شدند و این برنامه توسعه رفت و برگشتی و در کنار شهرداری قرار گرفتن بسیار پروسه مفیدی بود، یعنی مشاورها رفتند کنار شهرداری، یعنی اگر همین الان همه اینها قطع بشود اتفاقی که در شهرسازان افتاده است تجربه ای بسیار ارزشمند است. آنها از تهران آموختند و شهرداری از شهرسازها آموختند. این دستاورد مهمی بود. همین کافی است. یعنی در واقع اینکه طرحها رفتند توی دل ماجرا. بیشتر هم کنار شهردارنشین شدند. من خودم بیشترین تجاریم را به این ترتیب یاد گرفتم در طول طرحهایی که انجام می‌دادیم به استعلام هایی که شهرداری می‌کرد سعی می‌کردیم پاسخ دهیم و می‌فهمیدیم که آنها چه می‌کشند، فشار، یهنی چه؟ مردم چه می‌خواهند؟ اینها چقدر نیروی مقاومت دارند؟ این اتفاق الان افتاده است. من فکر می‌کنم که هم ۲۲

مشاور سطحشان الان فرق کرده است هم ۲۲ منطقه تهران. امروز سطح هر دو به نظر من ارتقاء پیدا کرده و این دستاورد بزرگی است. تجربه ای که کردیم تجربه بالا به پایین و تجربه پایین به بالا، خیلی تجربه بزرگی بود. در تهران طرح جامع ساماندهی اصولاً ۵ ساله بود و بعد هم اشکالهای زیادی داشت. طبق معمول ما باید طرح جامعی تهیه می‌کردیم، بعد طرح تفصیلی. این کار را نکردیم. اول مشاورین رفتند در مناطق (با فرض اینکه در ادامه طرح جامع ساماندهی هستند و طرح جامع بالا دستشان است) کوشش کردند که ببینند در منطقه شان اگر بخواهند اجرا کنند چه اتفاقی می‌افتد. مشکلاتش را شناختند و نقاط مفیدش را پیدا کردند و فرصتهایش را. اینها را جمع بندی کردند آمدند بالا، یعنی ما یکبار با یک سری طرح که بعضی هایشان در حال عمل است مثل طرح فاضلاب و غیره و ذلک و طرح جامع که یک کنترل از پایین کردیم رفت بالا. و این قرار بود بالا جمع شود و برگردد پایین و طرح تفصیلی کشیده شود، طرح تفصیلی با این مفاهیم

چارت تهیه طرحهای تدقیق طرح ساماندهی، طرح حوزه‌های شهری و تفصیلی مناطق و پاسخ به مسائل روز شهرداری تهران

مشاوران مناطق برای هر منطقه یک مشاور و یا جوینت چند مشاور	مشاور یا مجموعه چند مشاور (جوینت) مسئول حوزه‌ها	مشاور یا مجموعه چند مشاور مسئول	نهاد تهیه کننده طرح مصوبات کلان شهری تهران
۱- پاسخ به استعلامها با توجه به طرح تفصیلی و یا تکیه با تغییرات مانع یا رادع طرح ساماندهی و توجه به معماری شهری ۲- برداشت وضع موجود ۳- تهیه الگوی طرح تفصیلی مقدماتی با تکیه بر تناقضات و یا همخوانی‌ها یا طرح ساماندهی و پیشنهادات اصلاحی در جهت مرز مناطق، جمعیت، کارکرد، معابر و غیره	۱- تهیه برداشتهای ضروری برای طرح حوزه (که در برداشتهای مناطق انجام نمی‌شود)	۱- تهیه برداشتهای ضروری برای طرح جامع تهران (که در برداشتهای مناطق و حوزه‌ها انجام نمی‌شود).	۱- ارائه طرح مقدماتی مجموعه کلان شهری و بررسی تصویب آن به عنوان یک طرح پایه مقاومت
۱- پاسخ به استعلامها به شکل یاد شده	۱- تهیه طرح الگویی مقدماتی برای حوزه‌ها با توجه به طرحهای تفصیلی مناطق مربوطه با تکیه بر تناقضات و همخوانی‌ها با طرح ساماندهی و پیشنهادات اصلاحی و ...		
۱- پاسخ به استعلامها به شکل یاد شده	اصلاح طرح ساماندهی با توجه به طرح الگوی مقدماتی حوزه‌ها و طرح پایه مجموعه کلان شهریار تباط رفت و برگشتی بین طرح مجموعه کلان شهری	ارتباط رفت و برگشتی بین طرح مجموعه کلان شهری و طرح جامع کلان شهری	
۱- پاسخ به استعلامها به شکل یاد شده	۱- هدایت و هماهنگی برای طرح حوزه‌ها	تهیه طرح نهایی کلان شهری	
۱- پاسخ به استعلامها به شکل یاد شده ۲- تهیه طرح قطعی - تفصیلی مناطق ۳- تعریف محدوده هایی از مناطق که نیاز به طرحهای جزئیات شهری، طراحی شهری و غیره دارند	۱- هدایت و هماهنگی برای تهیه طرح تفصیلی مناطق هر حوزه	۱- هدایت مالی به کارکرد مشاورین حوزه‌ها	تعریف طرحهای جداگانه برای حوزه‌ها و بخشهای مختلف مجموعه شهری
۱- پاسخ به استعلامها به شکل قطعی با توجه به طرح تفصیلی ۲- تهیه طرحهای جزئیات شهری، طراحی شهری و غیره		هدایت مشاورین و سازمانهای تهیه کننده طرحهای فوق الذکر	

سلطانی آزاد، فرخ زنوزی و من . فشار این کمیته باعث شد که بالاخره تهران و شهرداری تهران بپذیرد، بیاید وارد این ماجرا شود. این کمیته، این برنامه را تدوین کرد، اتفاقاً" به من واگذار شد که این جدول را بکشم و تهیه کنم. این افراد از جامعه مهندسان مشاور و انجمن صنفی شهرسازان بودند به اسم کمیته تهران. حتی در انتخاب مشاورها از آنها نظر خواستند. ۵ سال کار کرد که موفق شد. یکی از کارهایش این بود که با روزنامه‌ها مصاحبه می‌کرد. و با این شعارها "کلانشهری که بدون طرح تفصیلی اداره می‌شود" یعنی با این چیزها وارد ماجرا می‌شد آقای حبیب الهیان وقتی که آمدند و در پست مدیریت قرار گرفتند به نظرشان آمد که این جدول، برنامه خوبی است. تقریباً" آن چیزی که در طرح جامع اخیر تهران اتفاق افتاده همین برنامه است. ولی با این اشکال که مشاور حوزه‌ها را انتخاب نکردند، هنوز هم انتخاب نشده [ستون دوم جدول] مشاور طرح جامع هم دو سال دیرتر انتخاب شد [ستون سوم جدول] این هم ثابت ماند و در طرح نیامد [طرح مجموعه شهری، ستون چهارم جدول] و نیامدند دوباره بازنگری را شروع کنند. گرچه به نوعی هم بازنگری شروع شده است. چون مدیر طرح مجموعه شهری الان مدیر طرح تهران است [آقای غمامی]. ولی این چارت بسیار خوبی بود اگر که خوب اجرا می‌شد، خیلی بهتر عمل می‌کرد. هنوز هم دیر نشده است فقط شاید کمی عقب بیافتد.



جدیدی که دارد. منتها فقط یک اشکال پیش آمد: مشاور طرح جامع تهران دیر انتخاب شد، طبق این جدولی که مراحل انجام کار را نشان می‌داد، مشاور طرح جامع، مشاور بخشهایی از تهران و حوزه‌ها و تهران و کلانشهر تهران باید با هم ۴ تایی کار می‌کردند.

□ این جدول برای کیست؟

■ این جدولی است که بر اساس طرح جامع تهران تهیه شده است و اصلاً" روی برنامه تهران بر اساس این جدول کار می‌کنند.

□ چه کسی این جدول را طراحی کرده است؟

□ این ۲۹ مشاور، انبوهی از اطلاعات جمع آوری کرده‌اند، اطلاعات پالایش یافته و اطلاعاتی که بقول شمارفت و برگشت هم با همدیگر داشته را در قالب سند منتشر کرده‌اند، از این زاویه

■ این جدول را یک کمیته‌ای به اسم "کمیته تهران" تهیه کرد. که اعضای آن عبارت بودند از: آقایان بهرام فریور صدری، فرهاد





دستاوردهای این دوره را چگونه می‌بینید؟

□ مقداری فریبنده است. ولی مشاورین فرنگی که ما با یکی از آنها در ارتباط بودیم، مشاور APUR، مشاور با تجربه‌ای هم هست، هم دارد روی شهر پاریس از سال ۱۹۶۵ کار می‌کند و هم روی شهرهای اروپایی و آسیایی کار کرده است. این مشاور گفت: امکان ندارد که من بیایم برای تهران کار کنم. می‌توانم در کنار شما قرار گیرم و هیچ مشاور دیگری نمی‌تواند این ادعا را بکند که یک مشاور فرنگی بیاید ابتدا به ساکن برای تهران طرح بدهد، این نمی‌شود.

■ من خودم پیشنهادم این بود که وقتی این اسناد تهیه شد، ایده‌های طرح جامع تهران به مسابقه گذاشته شود. این اسناد در یک مجلداتی چاپ شود، یک عده مشاور منتخب ایران و جهان را دعوت کنند و با یک حق الزحمه‌ای و باقی هم آزاد. یعنی این مجموعه اطلاعات بیاید برود در کل جامعه پخش شود و بازخوانی شود آنگاه اگر این اتفاق می‌افتد، شاید بهترین نظریه به دست می‌آید. شاید دیر هم نشده باشد. هنوز من معتقدم که الان بهترین فرصت است. ۱۰ تا ۱۵ تا مشاور از جاهای مختلف دنیا دعوت کنیم. بعد هم مسابقه آزاد باید باشد. اطلاعات در اختیار بگذاریم و چاپ کنیم.

■ این قبل از اطلاعات اول است و بعداً می‌توانند ببینند. من معتقد بودم که اروپایی‌ها مناسب نیستند، کشورهای مشابه خودمان که یک قدم جلوتر باشند خوب اند که بهترینشان کشورهای آمریکای لاتین است. و بهترین مشاورانی که ما می‌توانیم بیاوریم از مکزیک بوده است، یا برزیل و آرژانتین، آنها یکقدم از ما جلوتر هستند. همین توسعه شتابان و همین فشارها را داشتند. ونزوئلا مناسب‌ترین است که نفت هم دارد یعنی یک چیزی شبیه ما است. برزیل هم در موارد دیگر، مثل محصولاتش مشابه ما است و کشورهای اروپایی خیلی منظوم نبود. اروپا بنظرم از ما دور شده است. آنها سالهاست خانه هایشان را ساخته‌اند آنجا همه چیزش هم بجای خودش است. روی تابلو و تزئینش باید بحث کنند ما اینجا هنوز داریم خانه می‌سازیم. برای ما مشاورهای هندی شاید خوب باشند.

□ در مورد ایده‌های طرح جامع و راهکارها و راهبردهایی که ارائه



دادند، نظرتان را می‌گوئید؟



■ من به نظرم می‌آید که پیشرفتهایی داشتیم یعنی نظرات جدید دنیا دارد مطرح می‌شود و کوشش می‌شود این نظرات پیاده شود. این که الان پهنه بندی، جایگزین کاربری اراضی شود اینکه ضوابط ساختمانی دیگر ثابت نباشد یا تراکم به بهانه دیگری مطرح بشود و ... قدمهای بزرگی برداشته شده ولی اینکه چطور جمع شود من هنوز نتایج جمع شدنش را ندیده‌ام که چقدر می‌تواند مفید واقع گردد ولی برای اینکه نظرات جدید شهرسازی متعدد و متنوعی مطرح شود، این دوره کمک بسیار خوبی بود. و آن جلسات هفتگی که مشاوران با هم داشتند خیلی کارا بود. هر کس دانشش را می‌آورد و جمع، دانش یکدیگر را خیلی ارتقاء دادند. کلاً پیشرفت زیادی کرده‌اند.

فشار تهران، شاید ایران را فراموش کردند و صرفاً معطوف شدند به تهران و حتی گروه شهرسازی جامعه مشاوران که از فعال‌ترین گروه‌ها بود تقریباً تعطیل شد، کارشان تمام شد. تمام این جلسات ۲۲ مشاور در انجمن صنفی تشکیل می‌شد ولی به هر حال نتایج و عواقبش بر می‌گردد به کل تهران و کشور.

□ فاصله‌ای بین این ۲۲ مشاور و بقیه مشاورهای شهرسازی نیفتاد؟

□ با توجه به ارائه نتایج طرح جامع، گام بعدی در جهت تکمیل و اجرایی کردن طرحهای تهیه شده برای هدایت و توسعه شهر

■ یک اشکالی که پیش آمده این است که ۲۲ مشاور که متأسفانه که همگی در این چند تا سازمان صنفی، جزء اصلی‌ها هستند زیر





موضوع حالا دیگر اثبات شده است: ما خودمان که در منطقه ۸ کار می‌کردیم، سقف جمعیت که طرح جامع برای آن گذاشته کمتر از جمعیت موجودش است و اتفاقاً یکی از کم تراکم‌ترین جاهاست و پتانسیل تراکم را دارد. خوب، حالا این طرح کاغذی و نظرات بیخود است. راه حل امروز این است که اگر می‌خواهیم سقف را برداریم، باید بعد توصیه کنیم جمعیت نیاید و کوشش کنیم جمعیت نیاید. کوشش کنیم جای دیگر ساخت و ساز شود، پول اینجا نیاید. کوشش کنیم کار جای دیگر باشد و مردم اینجا نیایند، ولی من با فرض اینکه شما نمی‌توانید کوشش بکنید یا موفق نیستید این کارها را انجام دهید، برای همه اینها راه هایی می‌گذارم که وجود دارند، اگر جمعیت آمد برایش جا می‌گذارم، اگر تراکم خواست، برایش تراکم می‌گذارم. باید فرض کرد ۱۲ میلیون و برای ۱۲ میلیون ترافیک تهران را حل کرد نه برای ۸ میلیون. برای ۱۲ میلیون فاضلابش را فکر کرد، این تنها راه حل است. از بعد شهرسازی ما مسئولیم، بحث اشتغال و ... به ما ربط ندارد. اصلاً "شهرسازی کلمه اش غلط است. ما شهرسامانیم نه شهرساز. و شهرسامان در جهت تغییرات اساسی جاری است و نه در مقابلش. ما باید در پهلوی تغییرات حرکت کنیم و شهرسازی کنیم و نه در مقابل آن بایستیم. متأسفانه همیشه مقابلش ایستاده ایم. آن هم از ما رد شده و رفته و کار خودش را کرده است.

چیست؟ مثلاً اگر فکر کنید جای زعمای قوم هستید چه گام دیگری بر می‌دارید؟

■ فقط اگر با نگاه شهرسازی و بدون آن نگاه‌های بالاتر (مثل همان آمایش) بخواهید نگاه کنید من معتقدم که الان باید آن سقف جمعیتی را از آن طرحها برداریم. طرحها آزاد بشوند، تنها راهش همین است. بدون آن، همه طرحها کاغذی و کتابخانه‌ای و دروغی است. پیشنهادهای ترافیک مان چون می‌گوید اینقدر جمعیت داریم، ترافیک تهران را حل نمی‌کند، پیشنهادات رفع آلودگی هوا مسائل را حل نمی‌کند. شهرسازان که خودشان را تنظیم کرده‌اند با آن جمعیت، مسائل را حل نمی‌کنند. باز تراکم فروشی بجای واگذاری تراکم مجاز باب می‌شود و با آن سقفی که داریم و محدودیتی که داریم امید نجاتی نیست. پیشنهادهای سقف را باید برداشت.

□ آخر ما عادت کرده ایم که بطور سنتی در طرحهای توسعه و عمران شهرها، با عدد کار کنیم. حالا شما شاید می‌گویید که اصلاً این نگرش و رویکرد را باید عوض کنیم؟

■ باید جور دیگری نگاه کنیم. می‌گوییم پتانسیل، آیا سقف پتانسیل پذیری، جمعیت پذیری مناطق ما چقدر است. این

□ طراحی در جهت تغییرات اساسی شهر، یک پیش بینی هایی با خود می‌آورد و منجر به ایده هایی می‌شود که پایه طرح هستند ولی با توجه به شرایط روز ممکن است آن پیش بینی‌ها چه با کاهش و چه با افزایش به واقعیت نپیوندند. لذا لازم است که حتی با فرض حداکثری اقدامات اجرایی طرحها را فزیندی کنیم. جمعیت ۹ میلیون تا ۱۲ میلیون خیلی فرق دارد. ترافیکی که این ۹ میلیون دارد و سامانه‌های حمل و نقل که این ۹ میلیون را جابجا می‌کند با ۱۲ میلیون خیلی فرق می‌کند.





نباید بشود. گفتم شما می‌توانید بگویید. من گردنم از مو باریکتر است، من ناچارم، من فکر می‌کنم که مردم می‌آیند. من نمیتوانم فقط بگویم نیاید. من توی طرحم برای آن کسانی که قرار است بیایند جا فراهم می‌کنم و اجازه می‌دهم اگر هر کس در کنار شهر در بیرون محدوده بخواد یک مجموعه مسکونی بسازد، من راهش را فراهم می‌کنم که بیاید بسازد، برای اینکه نمی‌توانم جلوی‌شان را بگیرم. شما جلوی‌شان را بگیرید تا نیایند. اگر از من تقاضا کردند من اجازه می‌دهم.

□ خیلی ممنونم از شما، وقت شما را گرفتم و استفاده کردیم. شما اگر صحبت دیگری به عنوان خاتمه گفتار دارید بفرمائید.

■ من معتقدم شما به عنوان یک نشریه، خوب است که چند تا هدف داشته باشید و در جهت هدف‌تان کار کنید. هر نشریه، بخصوص شما که نشریه وابسته به شهرداری هستید، اگر یک هدف‌های معین داشته باشید و دنبال کنید مفید است. وگرنه هر دفعه آدم‌های مختلف در مجموعه حرفه‌ای حرف‌های مختلف بزنند و همدیگر را خنثی کنند این فایده‌ای ندارد فقط چالش اندیشه‌ای و یک کار دانشگاهی است. شما کار دانشگاهی نکنید و هدفمند باشید بر موضوعات مشخصی مثلاً "اگر به این نتایجی که من گفتم رسیدید دیگر باید از این بعد نشریه تان روی همین کار کند مقاله راجع به همین مورد ترجمه کنید شما الان مثلاً" خوب است به نظر من در یک مقاله به طور خلاصه درباره تغییر پایتخت‌های ایران را بنویسید. شاید این می‌تواند بهترین مقاله باشد. شما خوب است که با پاکستان و هند و ترکیه تماس داشته باشید. ببینید که چه مقالاتی را در مورد تغییر پایتخت خود و نتایجش دارند و آنها را کم کم چاپ کنید. یعنی هدفمند تعقیب کنید تا زمینه مقایسه و تحلیل بیشتر برای تهران فراهم آید.

□ تشکر می‌کنم. ■

■ اگر برای ۱۲ میلیون طراحی کنیم، چون ما همیشه از برنامه هایمان عقب‌تریم، به همان ۹ میلیون می‌رسیم ولی اگر ۹ میلیون بگذاریم به ۶ میلیون هم نمی‌رسیم.

□ آخر یکی ممکن است بگوید چرا ۱۲ میلیون؟ من با این روند می‌گویم ۱۵ میلیون!

■ فرق نمی‌کند اصلاً" باید بگوییم: "من باید حل کنم." همین تأثیری که فشار ترافیک آورد و این زوج و فرد کردنها ۳۰٪ بر روی ترافیک اثر گذاشت. خوب اگر این را پیش‌تر یعنی ۳ سال یا ۵ سال قبل فکر می‌کردند که قرار است جمعیت اینجوری شود. الان در کنار این همه اتومبیل پارکینگها را هم ساخته بودند و به محض اینکه خلوت می‌شد و وسیله نقلیه عمومی خوب کار می‌کرد، کم کم تمایل به استفاده از وسیله نقلیه عمومی اضافه می‌شد یعنی این رفت و برگشتی است یعنی باید آن باشد تا این اتفاق بیافتد. بعضی‌ها می‌گویند چون وسیله عمومی، نیست و یا کم است ما اتومبیل شخصی می‌آوریم توی خیابانها، خوب وقتی شما اتومبیل می‌آورید، جا نیست که اصلاً وسیله نقلیه عمومی باشد اصلاً".

□ یعنی به نوعی می‌فرمائید که شهر، انتخاب طبیعی خودش را انجام دهد؟

■ نه. می‌گویم که اگر انجام می‌دهد ما در جهت آن باشیم. اگر جمعیت تهران ۱۲ میلیون بشود اصلاً" باید این محدوده ترافیک ۲ برابر شود!

□ برگشتیم به همان سؤال اول که من از شما پرسیدم که یک گرایش‌ها و شرایط واقعی در شهر وجود دارد، ما چگونه خودمان را با آن همگام کنیم تا بتوانیم یک کار عملی انجام دهیم؟

■ ما در یک جلسه شورای شهرسازی بودیم، اعضای آن شورای شهرسازی استان به شدت گفتند که این نباید پیش بیاید و آن طور